

خوارزمشاهیان بر اریکه قدرت به جای سلجوقیان ختم می‌شود. سلطان محمد خوارزمشاه پس از اینکه قدرتش فزونی گرفت و دولت‌های قراخانیان، غوریان و غیره را ضمیمه قلمرو خویش کرد، هیأتی نزد **الناصرالدین الله** فرستاد و خواستار به رسمیت شناخته شدن قدرتش از سوی خلیفه شد. اما الناصر نپذیرفت، زیرا معتقد بود اگر در گذشته خلفا به سلاجقه و دیگر سلسله‌ها امتیازاتی داده‌اند از روی ضرورت بوده است و امروز این ضرورت به چشم نمی‌خورد. نتیجه تنش‌های موجود میان سلطان محمد خوارزمشاه با خلیفه عباسی باعث شد که خوارزمشاه خلیفه را غاصب خلافت خوانده و وی را متهم به عدم تلاش در حفظ مرزهای اسلامی از حملات کفار و قیام در راه خدا نماید. همچنین در پی آن **سیدعلاءالملک ترمذی** را به عنوان خلیفه معرفی کند.

گفتار سوم کتاب، با عنوان **روابط خوارزمشاهیان و قراختاییان** نامگذاری شده است. تأسیس سلسله قراختایی در حوالی دو دریاچه بلخاش و ایسی گول، ورود آنان به قلمرو اسلام، نبرد قطوان و نیز درگیری‌های خوارزمشاهیان و قراختاییان موضوعات مهم این گفتار را در برمی‌گیرد.

گفتار چهارم درباره روابط خوارزمشاهیان و اسماعیلیان نزاری است که در آن مطالبی درباره شکل‌گیری اسماعیلیه در ایران و حکمرانان آنها بیان شده است. روابط حاکمان اسماعیلی با خوارزمشاهیان قابل توجه است. در این قسمت

روابط سلطان محمد خوارزمشاه با حسن نومسلمان حاکم اسماعیلی الموت به طور مفصل بیان شده است.

گفتار پنجم کتاب در مورد روابط خوارزمشاهیان و غوریان است. در این گفتار پس از بیان اصل و نسب غوریان و نحوه شکل‌گیری قدرت آنها، روابط **علاءالدین حسین جهانسوز** با سلطان تکش خوارزمشاه و نیز روابط سلطان محمد خوارزمشاه با غوریان مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در بیان روابط خوارزمشاهیان و غوریان نقش خلافت عباسی نیز در نظر گرفته شده است.

گفتار ششم: **خوارزمشاهیان و مغولان**، اهداف توسعه‌طلبانه **چنگیز خان** و نیز سلطان محمد خوارزمشاه باعث حوادث مهمی در روابط این دو قدرت گردید. سلطان محمد خوارزمشاه پس از نابودی غوریان و قراختاییان، در آرزوی تصرف چین و زیر نفوذ درآوردن این سرزمین ثروتمند بود. تا بدان وسیله بر تمام مسیر جاده تجارتي ابریشم تسلط یابد و تجارت این نواحی را تحت نظارت خود درآورد. اما به زودی اطلاع یافت که چنگیز خان آنجا (چین) را به تصرف درآورده است. بنابراین به دلیل اهمیت قضیه و نیز برای تحقیق درباره صحت و سقم این خبر، هیأتی را به ریاست **بهاءالدین رازی** به پکن فرستاد. در ادامه مطالب کتاب به نحوه درگیری و تنش میان سپاه مغول و خوارزمشاه پرداخته شده و مهمترین زمینه‌ها و علل تهاجم مغولان به قرار ذیل بیان شده است:

۱- همسایه شدن مغولان با قلمرو

خوارزمشاهیان

۲- تمایل شدید مغولان به امر تجارت

۳- وضع خاص سیاسی، جغرافیایی، تجاری

و... فلات ایران

۴- قتل عام کاروان تجاری مغول در شهر آترار

۵- تحریک مغولان توسط خلیفه عباسی.

گفتار هفتم به علل مؤثر در سقوط

خوارزمشاهیان پرداخته است. از جمله این عوامل

می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- سیاست‌هایی مثل لشکرکشی سلطان

محمد خوارزمشاه به بغداد مشروعیت حکومت او را

نزد مسلمانان زیر سؤال می‌برد.

۲- عدم محبوبیت سلطان به واسطه ظلم و

ستم عمال وی در حق مردم.

۳- عدم انسجام سپاهیان خوارزمشاه.

۴- ضعف روحی سلطان محمد خوارزمشاه

پس از رویارویی اولیه با مغولان.

۵ - فرار **بدرالدین عمید** از کارگزاران

خوارزمشاه به نزد چنگیز خان و دادن اطلاعات

فراولان از تشکیلات و وضعیت دولت خوارزمشاه.

در فصل سوم تشکیلات اداری و دیوانی عصر

خوارزمشاهی توضیح داده شده و در آن به نقش

وزیر، دیوان رسایل، دیوان برید، دیوان چند، دیوان

عزیز، وکیل در، نایب، رئیس، منشی، قاضی و

قاضی عسگر اشاره شده است. کتابنامه آخرین

قسمت کتاب را تشکیل می‌دهد. کتاب ۱۳۶

صفحه‌ای تاریخ خوارزمشاهیان فاقد نمایه است.

## نقد و بررسی کتاب

# نخستین اندیشه‌های شیعی، تعالیم امام محمدباقر(ع)

○ اتان کولبرگ

○ ترجمه: حسین شیخ

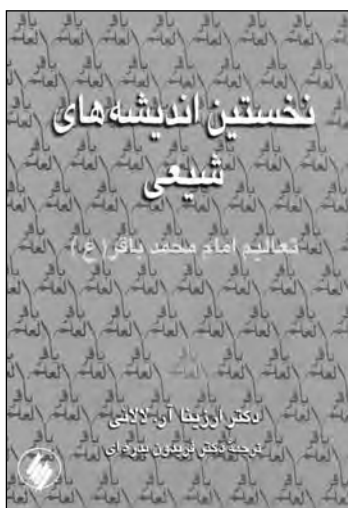
توضیح:

نوشتار حاضر ترجمه مقاله **اتان کولبرگ** در نقد و بررسی کتاب فوق‌الذکر است. اصل متن انگلیسی این مقاله در نشریه Bulletin of the school of oriental and African studies, vol ۶۵, pr1, ۲۰۰۲, pp ۱۴۲-۱۴۳ به چاپ رسیده است.

شایان ذکر است که ترجمه فارسی این کتاب با مشخصات زیر در ایران به طبع رسیده است: **نخستین اندیشه‌های شیعی، تعالیم امام محمد باقر(ع)**، نوشته دکتر ارزینا آر. لالانی، ترجمه **فریدون بدره‌ای**، تهران، نشر و پژوهش فرزنان روز، ۱۳۸۱، هفت + ۲۰۱ ص.

این پژوهش، که بر پایه پایان‌نامه دکترای نویسنده است نخستین نوشته به صورت کتاب به زبان انگلیسی است که زندگی و اندیشه‌های [امام] محمد باقر(ع)، پنجمین امام شیعه دوازده امامی، را بررسی می‌کند. دو فصل نخست این کتاب بررسی سودمندی از حوادث بزرگ تاریخ اولیه تشیع

□ Early shii thought: The teaching of Imam Muhammad all-Baghir  
□ Arzina R.Lalani  
□ London and Newyork: I.B.Tauris inassociation  
with Institute of Ismaili studies, XV, 192 pp, 2000, f25



را بازگو می‌کند.

فصل سوم درباره زندگی [امام] باقر[ع] است و بر رابطه‌اش با گروه‌های مختلف شیعی همچون «کیسانیه» و «جارودییه» یا آنهایی که بعداً به نام غلات شناخته شدند، تأکید دارد. این فصل شامل برخی ملاحظات جالب توجه است. برای نمونه مؤلف بر آن است که لقب «باقر» (کوتاه شده باقرالعلم، شکافنده علم یا دارنده دانش عظیم) در زمان حیات خود امام بر او اطلاق می‌شد. او همچنین دلیل قانع‌کننده‌ای اقامه می‌کند که [امام] باقر[ع] در زمان حیاتش دست کم در میان حلقه اصحابش به عنوان امام شناخته می‌شد (pp. ۴۵-۶: ترجمه فارسی ص ۶۱). در پایان فصل لالانی گزارش‌های مختلف از سال وفات [امام] باقر [ع] را مورد بررسی قرار می‌دهد (زودترین تاریخ نقل شده ۷۳۲ م. / ۱۱۴ ه. ق و دیرترین ۷۴۳ م. / ۱۲۵ ه. ق است). وی چنین نتیجه‌گیری می‌کند که این مسئله یک پرسش بی‌جواب خواهد بود (۵۷۷: ترجمه فارسی ۷۴) به ملاحظات او این را نیز می‌توان افزود که بنا بر گزارش دانشمند شهیر امامی، ابن بابویه (ف ۹۹۱ م. / ۳۸۱ ه. ق) در دوره کوتاه حکومت ابراهیم بن ولید به [امام] باقر [ع] زهر خورنده شد (ابن بابویه، رساله فی الاعتقادات، تهران، ۱۳۱۷ ه. ق ص ۱۰۵ و ترجمه انگلیسی آن

۱۹۴۲, p102 A shi'te creed, tr. Asef.A.A.fyze, Oxford, امکان دارد این تاریخ متأخر برای وفات ناشی از تشابه اسمی [امام] باقر [ع] با محمد بن علی بن عبدالله بن عباس (فوت بین سالهای ۷۴۳ م. / ۱۲۶ ه. ق و ۷۴۱ م. / ۱۲۴ ه. ق) باشد که اشتبهاً به باقر[ع] نسبت داده شده است. فصل بعدی (چهارم) دیدگاه‌های [امام] باقر [ع] درباره امامت را بررسی می‌کند و نیز به طور کلی برخی اختلافات بزرگ بر سر این موضوع را بین تسنن و تشیع مطرح می‌کند. تعلیل مؤلف از این اختلافات برخی اوقات او را به دادن اعتباری افزون‌تر به نظرگاه شیعی راهبر می‌شود (مثلاً در بحث‌اش از حدیث غدیرخیم ۳-۷۰۰ pp, ترجمه فارسی صص ۱۰۰-۹۷)

مؤلف در فصل پنجم دیدگاه‌های [امام] باقر [ع] درباره برخی موضوعات کلامی همچون توحید، قضا و قدر و فرق میان ایمان و اسلام را مورد بحث قرار می‌دهد.

فصل بعدی (ششم) به جایگاه [امام] باقر [ع] در حوزه‌های اهل حدیث، هم شیعی و هم غیرشیعی، اختصاص دارد.

فصل هفتم و آخرین فصل درباره سهم [امام] باقر [ع] در فقه شیعی است. لالانی نشان می‌دهد که علاوه بر ایفای نقشی مهم در رشد فقه تشیع امامی، فقه زیدی و اسماعیلی نیز نشأت گرفته از آراء [امام] باقر [ع] است.

مؤلف به خوبی از نقل روایت‌های معتبر از غیرمعتبر آگاه است (به ویژه در p27, ترجمه فارسی ص ۳۷ «اگر این اخبار سخنان اصیلی باشند که درباره علی [ع] گفته شده‌اند» و P40: ترجمه فارسی ص ۵۶ «خواه احادیث و اخبار مربوط به لقب وی [الباقر] موثق باشد یا نباشد»).

برخی اوقات نویسنده به اظهارنظر کلی اکتفا می‌کند. برای نمونه هنگامی که

می‌گوید حتی اگر هیچ یک از احادیث منسوب به [امام] باقر [ع] اصیل و موثق نباشد خطاست که همه آنها را به اسم جعلی بودن کنار بگذاریم (p117: ترجمه فارسی ص ۱۳۲ به ویژه p19: ترجمه فارسی ص ۲۶).

وی در پایان فصل پنج پا را فراتر می‌گذارد و بر آن است که حتی اطلاعات ما درباره اندیشه‌های کلامی امام باقر برگرفته از متونی است که سال‌های بسیاری پس از فوت وی تألیف شده‌اند و این متون بازتاب دیدگاه‌های او نمی‌توانند باشند چون نه «زبان کلامی‌ای که مشخصاً متأخر از عهد اوست به او منسوب شده است و نه دیدگاه‌های کلامی‌ای که به وضوح متفاوت از دیدگاه‌های زمان او می‌باشند» (p117: ترجمه فارسی ۱۳۲).

البته از منظری بسیار محتاطانه نیز می‌توان گفت که این متون بازتاب دیدگاه‌های حلقه‌های تشیع نخستین بر دور امام باقر(ع) می‌باشد اگرچه مورد پذیرش امام واقع نمی‌شد.

این کتاب دارای چند خطاست، یکی از خطاها این عقیده مؤلف است که طبری (در جامع البیان) عادت ندارد دیدگاه‌های خود را درباره تفسیر نصوص و آیات قرآنی اظهار دارد (p63: ترجمه فارسی ص ۸۵) در حالی که عکس آن صحیح است.

خطای دیگر این ادعاست که مرجئه منکر امر به معروف و نهی از منکر بودند (p9: ترجمه فارسی ص ۱۶) در حالی که موضع‌گیری آنها درباره این فریضه شناخته نیست به ویژه در این باره بنگرید به

Micheal Cook, Commanding right and for biddingwrong in Islamic Thought, cambridge, 2000, p 308: P.Crone and F.W.Zimmermann, The epistle of Salim ibn Dhakwan, Oxford, 2000, p 236)

تاریخ دقیق و صحیح فوت ابوالقاسم و ابونعیم اصفهانی به ترتیب ۹۳۱ م. / ۳۱۹ ه. ق و ۱۰۳۸ م / ۴۳۰ ه. ق می‌باشد (p128 n.21: ترجمه فارسی ص ۷۵ پا برگی ۲۱ و ۱۰۱ p: ص ۱۴۲).

برخی عبارات واقعاً ربطی به بحث ندارند مثلاً مشخص نیست بحث از قنوت (p124-5: ترجمه فارسی صص ۲-۱۷۱) یا دیدگاه‌های قاضی نعمان و دیگر نویسندگان اسماعیلی درباره عصمت (p82: ترجمه فارسی ص ۱۰۹) چه کمکی به فهم بیشتر ما از موضع‌گیری‌های [امام] باقر [ع] در قبال این موضوعات ارائه می‌دهد. کتابنامه‌ای ارزشمند در پایان قرار دارد که خوشبختانه شامل بصائر الدرجات صفار قمی است. کتابی که نویسنده به اهمیت آن واقف است. از بسیاری از دست‌نویس‌هایی که نقل قول شده است صورت چاپی نیز موجود است بهتر می‌بود که به صورت‌های چاپی ارجاع داده می‌شد.

علی‌رغم این انتقادات، کوشش نویسنده برای ارائه تصویری متعادل از یکی از شخصیت‌های اصلی و برجسته تشیع نخستین درخور ستایش است.